

نگاهی به انتخابات ۳ نوامبر ...

از صفحه ۵

عمر سیاسی "اوجویت"، گروهی از رهبران این حزب به منظور جلوگیری از شکست آتی، تلاش کردند که تغییراتی را به مرحله انجام برسانند. ولی وی و همسرش (به عنوان رئیس حزب) از هر گونه تغییر و حتی ترمیم کابینه امتناع کردند. چند ماه پیش از انتخابات زودرس ۳ نوامبر، جمعی از وزرا و وکلای عضو حزب "دمکراتیک چپ" انشعاب کرده و جریان دیگری به نام حزب "ترکیه نوین" را تاسیس کردند. اما این اقدام نیز هیچ ثمری نبخشید و این جریان حتی یک درصد آرا را هم کسب نکرد.

حزب راست گرای افراطی "حرکت ملی" که در مجلس قبلی ۱۲۹ نماینده داشته و شریک دولت ائتلافی "اوجویت" بود، با اخذ ۸،۲۳ درصد آراء در انتخابات اخیر از مجلس حذف شد. مؤتلف دیگر دولت "اوجویت"، حزب "مام میهن" (حزبی که توسط تورگوت اوزال درست شده و رهبر کنونی آن مسعود بیلماز است) بود که در این رای گیری فقط ۵،۱ درصد آرا را به دست آورد. حزب سلیمان دمیرل و تانسوچیلیر، یعنی حزب "راه راست" نیز با ۹،۵ درصد آرای شرکت کنندگان در پشت سد "حد نصاب" متوقف ماند. نجم الدین اربکان که پیش از ۱۹۹۹، همراه با حزب "راه راست" دولت ائتلافی تشکیل داده بود ولی پس از اخطار ژنرالهای ارتش و انحلال حزب "فضیلت"، حزب اسلامی دیگری تحت عنوان حزب "سعادت" درست کرده است، نیز در این انتخابات با شکست شدیدی روبرو شده و قادر به کسب بیش از ۲،۴ درصد آرا هم نشد. لازم به یادآوریست که حزب اسلامی "فضیلت" در انتخابات قبلی ۱۱۱ نماینده به مجلس فرستاده بود ولی، بعد از انحلال این حزب، گروهی از اعضای جوان تر آن از ورود به جایگزین آن یعنی حزب "سعادت"، خودداری کرده و، به همراه کسانی دیگر، خود حزب "عدالت و توسعه" را راه انداختند. قابل توجه است که یک

حزب نوبنیاد دیگر با عنوان حزب "جوان" و با گرایش تند ناسیونالیستی و پوپولیستی، که چند ماه قبل از انتخابات توسط یک دلال و سرمایه دار بزرگ راه اندازی شده و پول هنگفتی هم صرف تبلیغات کرده بود، در سوم نوامبر، ۷،۳ درصد آرا را به خود اختصاص داد. این نیز نشانه دیگری از رویگردانی گسترده رای دهندگان از احزاب حکومتی و سنتی بود.

بر اساس تحلیل هایی که برخی روزنامه های ترکیه از ترکیب و توزیع آرای اخذ شده ارائه کرده اند، رویگردانی وسیع مردم از رهبران و جریانات سرشناس و سابقه دار، تنها محدود به چند منطقه و یا شهر و روستا نبوده، بلکه تقریباً تمامی مناطق و استانهای این کشور را در بر می گیرد. پایگاه های سنتی آن احزاب، شهرها یا روستاهایی که به عنوان "دژ" انتخاباتی استوار "اوجویت"، "ییلماز"، "چیلر" و همتایان آنها به حساب می آمدند، نیز نتوانستند در برابر این موج گسترده نارضایتی و رویگردانی مقاومت نموده و دست کم، حضور سمبلیک آنها در مجلس ترکیه را تامین نمایند. صرف نظر از این که حزب برنده این انتخابات چه می خواهد و چه می تواند بکند، نتیجه این رای گیری بیانگر "تصفیه" و "تغییر چهره" تقریباً کامل پارلمان ترکیه است.

دلایل نفی و رد احزاب و رهبران سنتی و پرسابقه نظام از سوی اکثریت وسیع مردم، متعدد و گوناگون است، و بحثهای تازه ای هم در این باره در بین تحلیلگران سیاسی و همچنین درون نیروهای مترقی و چپ این کشور شروع شده است. در اینجا می توان چند تا از مهمترین آنها را به اختصار، بر شمرد.

پیش از هر چیز، زمینه اصلی رویگردانی رای دهندگان، تداوم و تشدید سرخوردگی آنها از احزاب حاکم، از وعده های فراوانی که هیچگاه عملی نمی شدند، از سوء مدیریت رایج و از فساد فراگیر درون دستگاه حکومتی است که حاصل همه اینها چیزی جز تشدید نابرابری ها، کمبود و محرومیت ها برای اکثریت عظیم مردم، و بویژه اقشار پایین و متوسط، نبوده است. در این میان، حاد شدن بیسابقه بحران

اقتصادی و مالی در سال گذشته نیز، که موجب کاهش سطح تولید ملی به میزان ۹ درصد در طی یک سال، و افزوده شدن حدود دو میلیون نفر دیگر به جمع بیکاران گردید، مزید بر علت شده و ناتوانی دولت را در پاسخگویی به ابتدائی ترین نیازهای جامعه عریانتر ساخت. باید یاد آور شد که دخالت "صندوق بین المللی پول" با میانجیگری و فشار آمریکا و پذیرش اعطای حدود ۳۰ میلیارد دلار وام اضطراری به ترکیه (که ۱۶ میلیارد از آن طی سه سال آینده داده می شود) بود که سیستم پولی و مالی این کشور از فروپاشی کامل موقتاً نجات داد و ضمناً حجم بدهی های خارجی آن را هم به بیش از ۱۱۵ میلیارد دلار بالغ کرد.

از سوی دیگر، حاد شدن بحران مذکور، اختلافات نظرات و رقابتهای در بین احزاب شریک در قدرت و در درون آنها را شدت بخشید و فرار از مسئولیتهای و نجات خود، در برابر موج فزاینده نارضایتی عمومی، را هر چه بیشتر دامن زد. انتخابات پیش از موعد بناگزی، پذیرفته شد و صف بندی های جدیدی در بالا شکل گرفت. لکن موجی که از پایین برخاسته بود تقریباً تمامی آنها را روید و از دولت و مجلس بیرون انداخت.

در همین حال، تهاجم تبلیغاتی گسترده علیه حزب "عدالت و توسعه" که نظرسنجی ها حاکی از احتمال موفقیت آن بود نیز شهرت و بخت پیروزی آن را افزونتر ساخت: از قضا اسکنجین صفر افزود! هر چه فشارهای وارده به این حزب شدیدتر گردید، اقبال مردم، خصوصاً اقشار پایین، نیز به آن بیشتر شد. چند هفته پیش از انتخابات، رهبر این حزب، "رجب طیب اردوغان" در ارتباط با محکومیت چند سال قبل وی به جرم "طرح شعارهای مذهبی در جریان تبلیغات انتخاباتی"، از شرکت در انتخابات سوم نوامبر محروم گردیده و پرونده مربوط به اعلام غیر قانونی بودن و انحلال حزب وی هم سریعاً به جریان انداخته شد. اما این پرونده سازی ها و یا مطرح ساختن پرونده های بایگانی شده، در خلال

مبارزات انتخاباتی، بنا به نتایج نظرسنجی ها، بخت برنده شدن حزب "عدالت و توسعه" را باز هم بالا می برد.

هر چند که توان و تجربه سازماندهی و تبلیغات وسیع این حزب و رهبری آن، یکی از عوامل موثر موفقیت قاطع آن در انتخابات اخیر به حساب می آید، ولی دلیل عمده آن در واقع، نبود مشروعیت و بی اعتباری کامل رقیبان اصلی آن و سرخوردگی و بیزاری مردم از آنها بوده است. حد نصاب ده درصد هم عامل مهمی در کسب اکثریت نزدیک به دو سوم مجلس از جانب حزب "عدالت و توسعه" بود. این شگردی بود که همه احزاب حاکم ترکیه طی سالهای گذشته از آن به عنوان مانعی برای جلوگیری از ورود سازمانها و تشکل های چپ و ترقیخواه و جریانات نوظهور به مجلس، استفاده کرده بودند. آن احزاب، در سوم نوامبر، در همان چاله ای که خود کنده بودند فرو افتادند.

نبود یک آلترناتیو نیرومند چپ و دموکراتیک، در این کشور نیز، بخش بزرگی از مردم را به عدم شرکت در انتخابات، و یا انتخاب بین بد و بدتر ناگزیر می سازد. در اینجا نیز، تداوم و سرکوب و پراکندگی شدید در میان نیروهای پیشرو و دموکرات، مانع از شکل گیری یک بدیل معتبر چپ در برابر نیروهای راست و مذهبی شده و حق انتخاب مردم را، بواقع محدودتر ساخته است. به قول سر مقاله نویس روزنامه "جمهوریت" بخشی از سیاستهای دولت ترکیه را، صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و بخش دیگر آن را هم "اتحادیه اروپا" تعیین می کنند، بنابراین چه صحبت از "انتخابات" و چه جای سخن از "انتخابات" است! حزب "دموکراتیک خلق"، در انتخابات اخیر، ۶،۲ درصد آرا را به دست آورد ولی از حضور در مجلس بازماند (اگر فرضاً حد نصاب موجود به جای ده درصد، پنج درصد می بود، این حزب می توانست ۴۲ نماینده در مجلس داشته باشد). این حزب که تا کنون چند بار به واسطه فشارهای ارتش غیر قانونی اعلام گردیده و ناگزیر به تغییر نام و رهبری خود شده است، طرفداران زیادی

در مناطق جنوب شرقی ترکیه و در بین بخشی از نیروهای چپ و مترقی دارد. در انتخابات سوم نوامبر، "حزب کمونیست ترکیه" (حزب سنتی معروف ترکیه که تا به حال چند بار تغییر نام و موضع داده است) هم برای اولین بار، با همان نام، شرکت کرده بود که توفیقی به دست نیاورد. این حزب مخالف عضویت ترکیه در "اتحاد اروپا" است.

اما یکی از دلایل موفقیت حزب "عدالت و توسعه"، در شرایط موجود، ابهام و تناقض در مواضع و ترکیب آن بوده است، هر چند که وجود این ابهامات و تناقضات، در هنگام تشکیل و اداره دولت، می تواند برای خود این حزب خیلی مسئله ساز باشد. این حزب، به لحاظ مواضع اعلام شده و عناصر اصلی گرداننده آن، ترکیبی از گرایشهای مذهبی، ناسیونالیستی و لیبرالیسم اقتصادی است که قدری چاشنی پوپولیستی هم به آن افزوده شده است. این حزب خود را اسلامی، ولی "معادل مسلمان احزاب دموکرات مسیحی اروپایی" در ترکیه معرفی می کند. این حزب، به قول "عبدالله گل" (فرد دوم حزب که به علت محروم شدن "طیب اردوغان" از شرکت در انتخابات و نمایندگی مجلس، به عنوان نخست وزیر معرفی شده و نخستین دولت این حزب را تشکیل داده است) می خواهد به جهانیان نشان بدهد که "یک کشور مسلمان می تواند دموکراتیک و مدرن هم باشد". رهبران این جریان هم پیش از انتخابات و بویژه پس از آن، تعهد آن را به اصول "لائیک" جمهوری ترکیه و اجرای آن طبق اصول قانون اساسی، اعلام داشته اند. با اینهمه، مواضع و مقاصد رهبری حزب در مورد خصلت اسلامی آن دقیقاً روشن نیست. اگر چه برخی از تحلیلگران ترکیه، آن را نوعی پنهانکاری و به اصطلاح "تقیه" تعبیر می کنند. در هر حال باید یادآور شد که طبق ارزیابی کارشناسان، نیروی اجتماعی که خواهان ایجاد نوعی از "حکومت اسلامی" در ترکیه است، کمتر از ده درصد کل رای دهندگان است.

حزب "عدالت و توسعه"، پیوستن ترکیه به

"اتحادیه اروپا" را "اولویت نخست" دولت خود اعلام کرده است. در این موضع، جدا از منافع و یا مضار اقتصادی آن، مصلحتی سیاسی نیز نهفته است، زیرا که پیوستن به اروپا، امکان کودتای نظامی و انحلال پی در پی خود این حزب را نیز کاهش می دهد. این حزب، همچنین، خواستار ادامه همکاری با "صندوق بین المللی پول" و دریافت وامهای موعود است، هر چند که تجدید مذاکره پیرامون موادی از "برنامه" تعیین شده به وسیله آن "صندوق" را نیز ضروری می داند. این جریان، مطابق مواضع اعلام شده، در پی کوچک کردن دستگاه دولتی، تقویت بخش خصوصی و حمایت بیشتر از سرمایه گذاری های خارجی است. علاوه بر اینها، تامین اشتغال، کاهش مالیاتها و عوارض، بهبود وضع اقتصادی مردم، ایجاد راهها و ... نیز از جمله مواضع و وعده های انتخابی این حزب به شمار می روند.

از نظر ترکیب نیروهای تشکیلاتی و رهبری حزب "عدالت و توسعه"، می توان اشاره کرد که بخش بزرگی از آنها، از کادرهای حزب سابق "رفاه" (و "بعدا" "فضیلت") هستند که اگر چه غالباً زیر نظر نجم الدین اربکان و همراهان وی تعلیم دیده اند، ولی نیروی جوان تر و "مدرن" تر آن گرایش را تشکیل می دهند که راه خود را از "ریش سفیدها" و "سنتی ها" جدا و حزب "عدالت و توسعه"، را ایجاد کرده اند و آرم حزبشان را "لامپ برق" برگزیده اند. علاوه بر اینها، تعدادی از گردانندگان و نمایندگان این حزب هم از احزاب دست راستی دیگر، بویژه حزب "مام میهن" تورگوت اوزال، آمده اند. با اوجگیری ستاره بخت این حزب در ماههای پیش از انتخابات، گروهی از نمایندگان و عناصر وابسته به احزاب دیگر هم از آنها جدا شده و به این حزب پیوستند. از این رو نیز، پراگماتیسم و فرصت طلبی یکی دیگر از خصوصیات این جریان راست میانه اسلامی است.

گذشته از گروه معدود سرمایه داران و انحصارات بزرگ ترکیه که در ارتباط تنگاتنگ با سرمایه جهانی فعالیت می کنند و هر دولتی در این کشور سر کار آید،